

واکاوی شکل‌گیری و رشد ورزش زنان در عصر رضاشاه

نوع مقاله: پژوهشی

غلامرضا عزیز^۱/سیروان خسروزاده^۲

چکیده

به دنبال روی کار آمدن رضاشاه، ورزش هم مانند بسیاری دیگر از پدیده‌های اجتماعی مورد توجه قرار گرفت و در این میان، همسو با ضرورت تغییر موقعیت اجتماعی زنان، لزوم توجه به ورزش بانوان نیز مطرح شد. پژوهش حاضر با تکیه بر مطبوعات عصر پهلوی اول و به روش توصیفی-تحلیلی سیر ظهور ورزش زنان در دوره رضاشاه و بسترهای پیشرفت آن را بررسی می‌کند. سؤال اصلی تحقیق این است که ورزش زنان با چه موانعی مواجه بود و چه عواملی به پیشرفت نسبی آن یاری رساند؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مجموعه عواملی چون درک نادرست جامعه و حتی خود زنان از ورزش تا مدت‌ها مانع از روی آوردن زنان به ورزش بود، اما سرانجام در نیمه دوم حکومت رضاشاه، تحت تأثیر نهادهایی چون تشکیلات پیش‌آهنگی، کانون بانوان، و دستورالعمل‌های محمدرضا پهلوی، همچون پدیده‌ای اجتماعی نمایان شد و رو به پیشرفت گذاشت تا آنکه حمله متفقین به ایران در شهریور ۱۳۲۰ این روند را تا سال‌ها بعد متوقف نمود. واژگان کلیدی: ورزش زنان، رضاشاه، پیش‌آهنگی، کانون بانوان، ولیعهد، شهریور ۱۳۲۰.

Analysis of Formation and Growth of Women's Sports in the Reza Shah's Era

Golamreza azizi¹/Sirwan khosrozadeh²

Abstract

After the coming to power of Reza Shah, sport, like many other social phenomena, was considered. Meanwhile, in the continuation of the debate on the need for change in the social status of women, women's sports were emphasized as a serious phenomenon. The present study, relying on the press of the first Pahlavi era and descriptive-analytical method, examines the emergence of women's sports in the Reza Shah period, and the contexts of its development. The main question of the research is what obstacles did women's sports face and what factors contributed to its relative progress in the future? The research findings show a set of factors such as; The misunderstanding of society and even women themselves about sports has long prevented women from turning to sport. Eventually, in the second half of Reza Shah's rule, under the influence of institutions such as the Pioneer Organization, the Women's Center, and the instructions of Mohammad Reza Pahlavi, it emerged as a social phenomenon and was progressing until the Allied invasion of Iran in September 1941. It stopped years later.

Keywords: Women's Sports, Reza Shah, Pioneer, Women's Center, Crown Prince, September 1941.

۱. عضو هیئت علمی پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران.

۲. پژوهشگر مستقل، دکترای تاریخ ایران اسلامی (نویسنده مسئول). *تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۷/۱۴ * تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۱۰/۱۶

3. Academic member of The Research Institute of Document, National Documents and Library Organization. Tehran, Iran. Email: greaazizi@gmail.com.

4. Independent researcher, Phd in history of islamic iran(corresponding author) Email: kiaksar612@yahoo.com.

مقدمه

به دنبال کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و روی کار آمدن رضاشاه بسیاری از عرصه‌های اجتماعی از سوی نظام شبه‌مدرن نوین دستخوش تغییر و تحولات نسبی گشت. یکی از مهم‌ترین عرصه‌ها حوزه زنان و مسائل مربوط به آنان بود. در حقیقت از دوران مشروطه به بعد زنان فعالانه تلاش کرده بودند موانع و محدودیت‌هایی که زن ایرانی را به انزوا کشانده بود رفع کنند و کنار بگذارند. آنان کوشیده بودند مشارکت زنان را در امور سیاسی، آموزش و معارف بیشتر کنند و جایگاه زن را در خانواده و جامعه در ابعاد مختلف ارتقا دهند. اما یکی از عرصه‌هایی که کمی دیرتر مورد توجه آنان قرار گرفت ورزش بود. شاید از آن رو که در فاصله زمانی انقلاب مشروطه تا سلطنت رضاشاه، به طور کلی، به ورزش توجهی نمی‌شد و چون ورزش مردان به طور رسمی وجود نداشت، زنان نیز به حوزه ورزش اعتنائی نداشتند و یا اگر به اهمیت آن پی برده بودند، بحث دامنه‌دار و جدی از آن نمی‌کردند.

بنابراین، نخستین توجهات جدی به ورزش از سال‌های بعد از به سلطنت رسیدن رضاشاه آغاز شد. در نیمه نخست حکومت رضاشاه مقدمات شکل‌گیری و پیشرفت ورزش مردان فراهم شد، اما روی هم رفته با توجه به اینکه کشور نیازمند تثبیت امنیت و برقراری نظم بود، به امور درجه چندی همچون ورزش چندان اعتنائی نمی‌شد. در واقع از نیمه دوم حکومت رضاشاه بود که عرصه ورزش مورد توجه قرار گرفت و ورزش زنان نیز از این مقطع به تدریج به عنوان پدیده‌ای اجتماعی مطرح شد.

بی‌شک ورزش زنان در جامعه‌ای که زنان و دختران آن در انزوا و محدودیت به سر می‌بردند، پدیده‌ای جدید و مملو از کشاکش و مناقشه بود، آن هم به‌رغم تلاش‌های بی‌وقفه زنان و مردان آزادیخواه که از دهه‌ها قبل کوشیده بودند جامعه را از حقوق زنان آگاه کنند. در نوشتار حاضر سیر ظهور و گسترش ورزش زنان در دوره رضاشاه بررسی می‌گردد و به این پرسش پاسخ داده می‌شود که ورزش زنان در دوره رضاشاه با چه محدودیت‌هایی مواجه بود و چه تحولاتی را از سر گذراند؟ درباره این موضوع تاکنون تحقیق مستقلی صورت نگرفته است. با وجود فقدان ادبیات تحقیق و اطلاعات کافی در این زمینه، می‌کوشیم با تکیه بر موثق‌ترین منابع، یعنی مطبوعات آن سال‌ها، سیر ظهور ورزش زنان و روند پیشرفت، و بالاخره سرانجام آن را تبیین کنیم. مهم‌ترین منبع روزنامه/اطلاعات است که در تحقیق حاضر گزارشات روزانه آن به دقت مطالعه و بررسی شده است.

مفهوم و جایگاه اولیه ورزش

در اولین سال‌های سده ۱۴ شمسی، ورزش در ایران جایگاه مناسبی نداشت و صرف‌نظر از چند زورخانه قدیمی که روی هم رفته پاسخگوی انتظارات جوانان هم نبود، امکانات دیگری وجود نداشت و ورزش به معنای جدید آن به طور کلی چیزی بیش از حرف نبود.^۱ برای نمونه ادعا شده است که در دارالفنون کسی جرئت ورزش کردن نداشت و شاگرد خوب کسی بود که در زنگ تفریح عبا به دوش گیرد و در گوشه‌ای آرام بنشیند!^۲ با این وصف نبایست انتظار داشت مقامات وزارت فرهنگ تصور بهتری از ورزش داشته باشند، زیرا بیشتر آنان در همین دارالفنون تحصیل کرده بودند. در حقیقت وزارت معارف ایران که بعدها به وزارت فرهنگ تغییر نام داد، نه تنها برنامه‌ای برای ورزش نداشت، بلکه اصولاً آن را امری تفنی و مزاحم تلقی می‌کرد. به همین دلیل اگرچه با تلاش صاحب‌نظران بالاخره در سال ۱۳۰۶ قانون دو ساعت ورزش اجباری در مدارس از تصویب مجلس شورای ملی گذشت، اما تا مدت‌ها ضمانت اجرایی پیدا نکرد، زیرا برای اجرای آن به معلم ورزش نیاز بود که در آن سال‌ها یافت نمی‌شد.^۳ بنابراین، تبصره‌ای به این قانون اضافه شد که وزارت فرهنگ تا زمانی که برای اجرای این قانون افراد مورد نیاز را در اختیار نداشته باشد، می‌تواند آن را تعدیل کند. بدین ترتیب، شورای فرهنگ اجرای آن را موکول به زمانی کرد که مدارس مریبان کافی در اختیار داشته باشند.

آنچه در فوق آمد، تصویری تأسف‌بار از مفهوم و جایگاه ورزش در اولین سال‌های سده چهاردهم شمسی است. اما به موازات نگاه تجددخواهانه رضاشاه، عرصه ورزش نیز از این نگاه مستثنا نماند و تحولاتی به خود دید. یکی از نقطه‌عطف‌های مهم این دوره، تلاش‌های بی‌دریغ میرمهدی‌خان ورزش‌پسند در تعمیم و تعلیم ورزش بود. میرمهدی‌خان معلم ورزش پسران و شاگرد پروفیسور سری، مفتش کل ورزش ترکیه، بود و در این کشور دوره‌های ورزشی را فرا گرفته بود. او در سراسر دوره رضاشاه به گسترش و توسعه ورزش پرداخت.^۴ بدین ترتیب، زمینه‌های امیدوارکننده‌ای برای رشد ورزش پسران نمایان شد. اما ورزش زنان هنوز با موانع جدی بی‌شماری مواجه بود که تا حل آنها زمان زیادی در پیش بود. یکی از مهم‌ترین موانع نگاه نادرستی بود که به ورزش زنان وجود داشت.

۱. عالم‌نسون، ص ۷، ش ۱ (دی‌ماه ۱۳۰۵)، ص ۱۲ و ۱۳.

۲. نیرو و راستی، ش ۲۰۳ (۶ مرداد ۱۳۲۷)، ص ۱۵.

۳. سالنامه تاج ورزشی، ش ۲ (۱۳۵۱)، ص ۱۴۲-۱۴۴.

۴. عالم‌نسون، ص ۷، ش ۱ (دی‌ماه ۱۳۰۵)، ص ۱۲ و ۱۳.

نگاه غلط به ورزش

یکی از مهم‌ترین موانع پیش روی ورزش زنان، نگاه نادرست جامعه و خود زنان به پدیده ورزش بود. به‌رغم آنکه بر ضرورت ورزش بسیار تأکید می‌شد، زنان همچنان به ورزش بی‌رغبت بودند و از آن طفره می‌رفتند. آنها می‌پرسیدند آیا با وجود کارهای خانه‌داری باز هم ورزش کردن ضرورت دارد؟ در واقع اغلب زنان ورزش را امری ضروری نمی‌دانستند و گمان می‌کردند همان نشست و برخاست و قدم زدن و کارهای خانه را انجام دادن ورزش است! نشریه عالم‌نسوان در واکنش به چنین نگرش‌هایی می‌گفت: «آشپزی و گردگیری و فعالیت‌هایی از این دست در مقایسه با بازی تنیس و سایر بازی‌ها فعالیت‌های ملایمی به شمار می‌آیند، و بسیار به‌ندرت پیش می‌آید که زنان در هنگام انجام دادن کارهای خانه عرق کنند و برافروخته شوند. و بنابراین، ورزش را برای زنان ضروری می‌دانست.^۱ چنین رویکردی نشان می‌دهد مفهوم ورزش برای زنان ایرانی غریب و تعریف نشده بود. در واقع در این زمان تنها کانال و رسانه برای تبلیغ ورزش زنان و آگاه ساختن آنان از اهمیت و ضرورت ورزش مطبوعات بودند. اما اولاً تنها درصد ناچیزی از زنان از سواد و فرهنگ مطالعه برخوردار بودند که آنها هم معمولاً در شهرهای بزرگ سکونت داشتند و ثانیاً بیشترین جمعیت زنان ایران از عشایر و روستائینان بودند که آنان هم به علت بی‌سوادی و همچنین محدودیت‌های عشیره‌ای و قبیله‌ای عملاً از معنا و مفهوم ورزش و ضرورت آن بسیار بی‌اطلاع بودند.

اما حتی در میان همان بخش از زنان که به نشریات دسترسی داشتند و یا در شهرهای بزرگ بودند و به هر ترتیب از ورزش اطلاع داشتند، ورزش به هیچ وجه جدی گرفته نمی‌شد. این وضع حتی در مدارس دخترانه هم مشاهده می‌شد و دختران جوان رغبتی به ورزش کردن نداشتند. برای نمونه، برخلاف مدارس پسرانه، در مدارس دخترانه دخترها به‌جای ورزش کردن، در گروه‌های چند نفری در حیاط مدرسه می‌نشستند و با همدیگر به صحبت مشغول می‌شدند و اگر بازی‌هایی هم می‌کردند، این بازی‌ها عاری از هر گونه ورزش‌های بدنی بود. ظاهراً دوری کردن دختران از ورزش به دلیل این تصور غلط و رایج نیز بود که ورزش از ملاحظت و زیبایی زنان می‌کاهد. دکتر ذبیح قربان دربارهٔ انفعال دختران و دوری کردن آنان از ورزش می‌نویسد:

تصور غلطی که هنوز هم در فکر مردم جایگیر است این است که نتیجهٔ ورزش کردن را فقط بزرگ شدن و تقویت عضلات و پیدایش زور و بازو می‌دانند. بر این اساس غلط، ورزش کردن را مناسب زن‌ها نمی‌دانند چون به گمانشان داشتن عضلات قوی و زور بازو از ملاحظت و ظرافت زن می‌کاهد و جذابیت

۱. عالم‌نسوان، ش ۷ و ۸، ص ۲۸۳.

آنان را از بین خواهد برد.^۱

مسئلاً چنین باوری زنان را از ورزش می‌گریزند، چون قاعداً هیچ زنی مایل نبود زیبایی خود را از دست بدهد!

به موازات دیدگاه‌ها و سخن‌پراکنی‌های منفی علیه ورزش زنان، شخصیت‌ها و محافل فراوانی هم از مزایای ورزش برای زنان می‌گفتند. مثلاً میرمه‌دی‌خان ورزشنده در حمایت از ورزش زنان معتقد بود دختران مادامی که به سن بلوغ نرسیده‌اند می‌توانند مانند پسرها ورزش کنند، ولی ورزش‌های سخت و طاقت‌فرسا برای آنان مضر خواهد بود. وی در بحث از اثبات توانایی‌های ورزشی زنان، ضمن پوزش از بانوان، به نقل روایت پروفیسور ابر فرانسوی می‌پردازد و می‌نویسد:

من از عقیده بعضی‌ها تعجب دارم که می‌گویند بایستی مابین زن و مرد در ورزش استثنایی قائل شد، در صورتی که ما می‌بینیم مابین حیوانات مادیان بیشتر و بهتر از اسب می‌دود و نهایت بی‌انصافی است ما زن‌ها را از استفاده از ورزش محروم بداریم... به هر حال ورزش برای نسوان بیش از مردها لزوم دارد زیرا اصلاح نسل آتیه به دست خانم‌ها می‌باشد...^۲

ورزشنده در حمایت از ورزش زنان به حرف بسنده نکرد. چنانکه در باشگاه‌هایی که تأسیس کرده بود شیفت زنانه نیز برقرار نمود.^۳ اما این حرکت‌های فردی به‌رغم نتایج مثبتی که به همراه داشتند، بیشتر نمادین بودند. برای تحول بنیادی در این زمینه می‌بایست برنامه‌های جدی‌تری دنبال می‌شد، زیرا حجم مخالفت‌ها با ورزش زنان بیش از تبلیغاتی بود که در حمایت از آن صورت می‌گرفت.

ذبیح‌الله قربان که در دارالفنون امریکایی بیروت تحصیل می‌کرد، یکی از پیشگامان فعال و تأثیرگذار در دفاع از ورزش زنان بود. او از زنان ایران که «مقدرات یک مملکت چنین هزار ساله را در دست داشتند» می‌خواست دختران و پسران باروری برای جامعه ایرانی تربیت کنند. قربان در مقدمه‌ای که بر ترجمه کتاب انجل دریک نوشت، ادعا کرد که بهترین راه تحقق چنین هدفی خواندن این کتاب است!^۴ به نظر او، این کتاب درباره هر آنچه یک زن باید بداند و دنبال کند بحث کرده است. برای نمونه به عقیده نویسنده کتاب ورزش زنان نه فقط در ایام دوشیزگی، بلکه بعد از ازدواج نیز ضروری است و باید ادامه یابد.^۵

در برابر چنین تلاش‌هایی، برخی از مخالفان ورزش زنان نیز با استدلال‌ها و نقطه‌نظرات خود مضرات ورزش را تبلیغ می‌کردند. مثلاً معتقد بودند ورزش زنان به عضلانی شدن بدن آنها می‌انجامد و بر همین

۱. دختران ایران، س ۱، ش ۲ (شهریور ۱۳۱۰)، ص ۱۳-۲۱.

۲. عالم‌نسوان، س ۷، ش ۵ (اردیبهشت ۱۳۰۶)، ص ۱۷۶-۱۷۷.

۳. اطلاعات، س ۱۰، ش ۲۵۲۱/هشتم تیر ۱۳۱۴، ص ۶.

۴. اما. اف. انجل دریک، دانستی‌های زنان جوان، ترجمه ذبیح قربان (برلن: چاپخانه ایرانشهر، ۱۳۰۶)، مقدمه، ص ۱۵ و ۱۶.

۵. همان، ص ۲۶.

اساس زنان را از مخاطرات چنین امری بر حذر می‌داشتند. در مخالفت با این ادعا، ذبیح قربان معتقد بود اگر فایده ورزش همین تقویت عضلات باشد طبیعتاً ورزش دختران ضرورتی ندارد، اما حقیقت این است که اهمیت ورزش برای زنان فراتر از تقویت صرف عضلانی است. وی در توضیح بیشتر مسئله و برای اقناع مخالفان ورزش زنان می‌نویسد: «ورزش مهم‌ترین عضله بدن یعنی قلب را پرزور و قوت می‌نماید. ورزش معایب جهاز تنفس و دوران دم را اصلاح می‌نماید. به طور خلاصه ورزش موجب صحت و سلامتی، و مایه تقویت روح و جسم است.» وی در اشاره به تحولاتی که در حوزه زیبایی‌شناسی زنان صورت گرفته است، می‌افزاید تاکنون ملاحظت و ظرافت زن را در این می‌دانستند که با یکی دو لقمه غذا سیر شود و نتواند بیش از صد قدم پیاده راه برود و همیشه از دردی شکایت کند و دارای ضعف قلب، جثه ضعیف و بنیه نحیف باشد. اما امروزه در ممالک متمدن خانم‌هایی در مسابقات پیروز می‌شوند که دارای جسمی قوی و عضلاتی ورزیده باشند. او در ادامه درباره ورزش‌هایی که برای دختران مناسب است بحث می‌کند و می‌نویسد در کل بهترین ورزش‌ها، خواه برای دختران و خواه برای پسران، آنهایی هستند که با بازی مخلوط شوند و در هوای آزاد انجام گیرند، مانند هاکی، بیس‌بال، والیبال و غیره.^۱

این رویکرد تا اواخر دوران رضاشاه همچنان وجود داشت. چنانکه آیین ورزش در سال ۱۳۱۷ معتقد بود فوتبال و وزنه‌پرانی، دوهای زیاد، پرش عرض و ارتفاع مناسب زنان نیست و آنان بایستی به ورزش‌های ظریف و متناسبی همچون تنیس، والیبال، بستکبال، شنا، و گردش در هوای آزاد بپردازند.^۲ شاید بنا بر چنین تفکراتی بود که تنیس تا مدت‌ها محبوب‌ترین رشته ورزشی در میان خانم‌ها بود.^۳

حمایت‌ها و مخالفت‌ها به موازات هم ادامه داشتند و هر یک از طرفین استدلال‌های خاص خود را دنبال می‌کردند که گاه به مبالغه هم می‌گرایید. برای نمونه حامیان ورزش در ذکر اهمیت ورزش و متقاعد ساختن افکار عمومی ادعا می‌کردند که علل امراض روحی و جسمی چون ضعف حافظه، ترس، بدبینی، لاقیدی، ضعف اراده، دروغ‌گویی، خدعه، تلون عقیده، ریا و تزویر ورزش نکردن است!^۴

نگاه حامیان ورزش زنان نیازمند بررسی‌های بیشتر است. با توجه به این موضوع، حال باید پرسید این حامیان چه انتظارات و توقعاتی داشتند و هدف آنان از تأکید بر ضرورت ورزش زنان چه بود؟ آیا انتظارات از ورزش زنان و مردان یکسان بود؟ برای پاسخ به سؤالاتی از این دست باید به واکاوی ماهیت ورزش زنان پرداخت.

۱. دختران ایران، س ۱، ش ۲ (شهریور ۱۳۱۰)، ص ۱۳-۲۱.

۲. آیین ورزش، س ۴، ش ۲ (فروردین ۱۳۱۷)، ص ۲.

۳. اطلاعات، س ۱۰، ش ۲۷۵۲ (۲۰ فروردین ۱۳۱۴)، ص ۱.

۴. کوشش (۲۰ فروردین ۱۳۱۹)، ص ۲.

انتظارات از ورزش زنان

در حالی که گفته می‌شود هدف از ورزش برای مردان تندرستی و نیرومندی است،^۱ در بحث از ورزش زنان، علاوه بر سلامتی و تندرستی، انتظارات دیگری نیز وجود داشت. به عبارت دیگر، تأکید بر ورزش زنان صرفاً با هدف دستیابی به سلامتی نبود و اهداف دیگری نیز در خود داشت که عبارت بودند از:

زیبایی: اهمیت زیبایی برای زنان تنها به زیبایی صورت و ضرورت آرایش محدود نمی‌شد، بلکه زیبایی و تناسب بدن نیز برای زن مدرن ایرانی بسیار دارای اهمیت بود. تأسیس و راه‌اندازی باشگاه‌های ورزشی و تناسب اندام و تبلیغ این باشگاه‌ها در نشریات با این هدف صورت می‌گرفت.^۲ طبیعتاً تضمین دستیابی به زیبایی یکی از استدلال‌های محکم در تأکید بر ورزش زنان بود، تا جایی که برخی هدف از ورزش زنان را کسب زیبایی اعلام می‌کردند.^۳ در نشریات به زنان توصیه می‌شد ورزش را جزء برنامه‌های روزانه خود قرار دهند. ژیمناستیک، پیاده‌روی، تنیس، کوهنوردی، شمشیربازی، چوگان، ورزش‌های توپی و رقص از جمله ورزش‌هایی بود که پیشنهاد می‌گردید. برای داشتن اندامی زیبا طریقه درست نشستن و خوابیدن، درست دویدن و ایستادن آموزش داده می‌شد و اجرای ورزش‌ها و حرکات مناسب برای کاهش وزن و کوچک کردن شکم، کم کردن اندازه دور ران و کمر توصیه می‌گردید.^۴ از نگاه نشریات، چیزی که یک زن جوان را زیبا جلوه می‌دهد، تنها چهره او نیست بلکه اندام او هم مهم است. بزرگی شکم و عقب زن موجب زشتی اندام او می‌شود، چون نه تنها زشت است، بلکه مانع از پوشیدن لباس‌های خوب و جلوه کردن در میان زیبارویان می‌شود.^۵ بنابراین، اعتدال قامت، اندام متناسب، عضلات قوی و پیچیده، رنگ و رخسار شاداب و پرطراوت فقط و فقط در سایه ورزش کردن به دست می‌آید.^۶ این رویه تا مدت‌ها ادامه داشت و برخی از نشریات با تمرکز بر هنرپیشگان زن هالیوود و نقل قول‌هایی از آنان می‌کوشیدند زیبایی آنان را نتیجه ورزش قلمداد کنند و بدین طریق زنانی را که در پی زیبایی بودند به سمت ورزش بکشاند.^۷

رسالت مادری: تأکید بر اینکه دختران مادران آینده هستند و برای وضع حملی عاری از اشکال به بدنی سالم و ورزش‌نیاز دارند، رویکرد دیگری بود که بر مبنای آن به زنان توصیه می‌شد به ورزش روی آوردند. به معلمان ورزش دختران هشدار داده می‌شد که متوجه اهمیت تقویت عضلات پشت و شکم

۱. اطلاعات، س ۱۰، ش ۲۷۵۲ (۲۰ فروردین ۱۳۱۴)، ص ۱.

۲. اطلاعات، س ۱۰، ش ۲۵۲۱ (۸ تیر ۱۳۱۴)، ص ۶.

۳. راهنمای زندگی، ش ۲ (۹ آذر ۱۳۱۹)، ص ۵.

۴. عالم نسوان، س ۱۱، ش ۶ (شهریور ۱۳۱۰)، ص ۲۸۵-۲۸۷.

۵. راهنمای زندگی، ش ۵ (۱۳۱۹)، ص ۱.

۶. آیین ورزش، س ۴، ش ۲ (فروردین ۱۳۱۷)، ص ۲.

۷. برای نمونه بنگرید به: نیرو و راستی، ش ۱ (۱۵ تیر ۱۳۲۲)، ص ۱۳؛ ش ۳ (۱۲ مرداد ۱۳۲۲)، ص ۷؛ ش ۴ (۲۶ مرداد ۱۳۲۲)، ص ۸ و ۹؛ ش ۵

(۹ شهریور ۱۳۲۲)، ص ۱۰ و ۱۱؛ ش ۱۱ (۹ آذر ۱۳۲۲)، ص ۴.

دختران باشند، زیرا این دوشیزگان روزی مادر خواهند شد و اگر عضلات شکمشان قوی نباشد در موقع وضع حمل دچار اشکالات عدیده می‌شوند.^۱ مربیان و آموزگاران موظف بودند قوای جسمانی و عقلانی دختران را توأمان تربیت کنند و متوجه این نکته باشند که زن‌ها بیشتر از مردها نیازمند سلامتی جسم و روح هستند، زیرا بچه آوردن و پرورش و تربیت کودک مستلزم سلامتی بدن و آسودگی فکر است.^۲ در همان حال بر این نکته تأکید می‌شد که «... ما زنان پهلوان نمی‌خواهیم که در میدان‌های مسابقه شرکت کنند... ما فعلاً مادرانی قوی و نیرومند می‌خواهیم که برای ما یک نسل قوی و نیرومند به وجود بیاورند...»^۳ یعنی از یک دوشیزه و زن در درجه نخست انتظار این بود که نسلی سالم به دنیا بیاورد و برای ایجاد نسلی سالم، تندرست، زیبا، خوش‌هیکل و قشنگ هیچ چیز همچون ورزش مؤثر دانسته نمی‌شد.^۴ بدین ترتیب، به نظر می‌رسد ورزش نه به خاطر سلامتی خود زنان بلکه به‌عنوان تضمینی برای سلامتی فرزندان آنان توصیه می‌شد.

رسالت ملی: از دیگر رویکردها به ورزش زنان نگاه ملی و نژادی به این موضوع بود. بر این اساس، زن ایرانی با روی آوردن به ورزش بانی نسلی قدرتمند قلمداد می‌شد که ایران را به عظمت می‌رساند. این‌گونه تبلیغ می‌شد که ایران مترقی به‌زنانی قوی نیاز دارد که بتوانند کارهای مختلف را به دور از ضعف و سستی انجام دهند و در کنار مردان فعالیت کنند. از این رو، از وزارت معارف خواسته می‌شد کلوپ‌های ورزشی مخصوص بانوان تأسیس کند.^۵

در ماهنامه *آیین ورزش*، در مقاله مفصلی با عنوان «ورزش برای زنان» ضمن تأکید بر ضرورت ورزش زنان آمده بود:

... خمودی و گوشه‌گیری و خانه‌نشینی زنان در این قرون متمادی به کلی آن قوت و نبرد طبیعی را که برای یک فردی که طبیعت تاج پرافتخار مادری را بر سر او گذارده و زمام اختیار نسل و تکوین ملت را به دست پرنوازش او سپرده لازم است از او سلب نمود... ولی آن روز رفت... چقدر خرسندیم که دوشیزگان ایرانی روی به تربیت بدنی کرده و دارند دوش به دوش پسران می‌روند... چقدر خوب بود زنان ایرانی نیز به زنان جهان تاسی کرده و ورزش را شعار خود قرار دهند. آری اهتزاز این پرچم‌ها که زیر سایه خود دوشیزگان میهن را جای داده قلوب ما را به ارتعاش درمی‌آورد... زیرا مطمئن می‌شویم که من بعد مادران قوی و مستعد ما ضامن تربیت و پرورش یک نسل قوی و نیرومندی هستند... آری اساس خانوادگی

۱. دختران ایران، س ۱، ش ۲ (شهریور ۱۳۱۰)، ص ۱۳-۲۱.

۲. کوشش، ش ۲۴۸ (۱۲ آبان ۱۳۱۴)، ص ۱.

۳. آیین ورزش، س ۴، ش ۲ (فروردین ۱۳۱۷)، ص ۲.

۴. اطلاعات، س ۱۲، ش ۲۳۱۶ (۲۷ آبان ۱۳۱۶)، ص ۲.

۵. نسوان وطن‌خواه، س ۷، ش ۷ (۱۳۰۳)، ص ۸.

آتیۀ امروز در این میدان‌ها و در زیر این پرچم‌ها ریخته می‌شود. مشاهدهٔ سعادت فرزندان ایران در ظل ورزش زنان برقرار می‌گردد و کاخ عظمت و بزرگواری ایران به دست همین دوشیزگان بنا می‌گردد.^۱ چنین استدلال می‌شد که خصوصیات نژادی هر نسلی جز از طریق تمرین و ورزش بدنی نمایان نمی‌گردد و برای آنکه اندام‌ها و سازمان بدن به‌درستی رشد و نمو یابد و نژاد خوب و رشید ایرانی پرورش پیدا کند، باید آموزش‌های ورزشی حتی از دورهٔ کودکی شروع شود و تا دورهٔ سالخوردگی ادامه یابد.^۲ این دیدگاه نیز زن سالم و ورزشکار را ابزاری برای بهره‌مندی ایران از ایرانیانی قدرتمند در نظر می‌گرفت و خود زن در این میان جایگاهی ثانوی داشت. بنابراین، روی هم رفته می‌توان نتیجه گرفت که ورزش صرفاً در خدمت سلامتی دوشیزگان نبود و هدف از ترویج آن دستیابی به زیبایی، توجه به نقش مادری و رسالت ملی بود. این رویکردها لاقلاً تا پایان دورهٔ رضاشاه باقی ماند. به طور کلی، می‌توان گفت نیمهٔ اول حکومت پهلوی اول دوره‌ای بود که در آن برای برقراری و گسترش ورزش زنان زمینه‌سازی می‌شد و بنابراین، ورزش زنان در عمل از نیمهٔ دوم حکومت رضاشاه نمایان شد.

زمینه‌های شکل‌گیری ورزش زنان

آنچه در فوق آمد، انتظارات و توقعاتی بود که از ورزش زنان وجود داشت. حال باید دید برای تحقق چنین انتظاراتی چه بسترهایی فراهم گردید؟ ورزش زنان به چه شیوه‌ای پیش رفت؟ و بالاخره اینکه تا شهریور ۱۳۲۰ و سقوط رضاشاه چه تحولاتی را از سر گذراند؟

قبل از هر چیز باید گفت که سال ۱۳۱۴ نقطهٔ عطفی در ورزش زنان بود. در این سال سه اتفاق مهم روی داد که بر وضعیت ورزش زنان در سال‌های بعد تأثیر گذاشت: آغاز به کار کانون بانوان ایران؛ ایجاد پیش‌آهنگی دختران؛ و همچنین مسئلهٔ کشف حجاب در ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴. البته این بدان معنا نیست که تا سال ۱۳۱۴ توجهی به ورزش زنان نمی‌شد، اما، چنانکه ذکر گردید، ورزش زنان تا این زمان بیشتر امری فردی بود و به‌مثابهٔ یک پدیده و جریان اجتماعی هنوز نه مورد توجه رسمی بود، و نه در مسیری مشخص قرار گرفته بود. از این منظر سال ۱۳۱۴ را باید سال آغاز سازماندهی و مدیریت ورزش زنان دانست.

الف) کانون بانوان ایران

چنانکه اشاره شد، در اوایل روی کار آمدن رضاشاه آنچه به نام ورزش وجود داشت، از ورزش و تربیت بدنی مدرن بسیار فاصله داشت. تشکیلات ورزشی متفرق، پراکنده و بیگانه با هر نوع نظم و مقرراتی

۱. آیین ورزش، س ۴، ش ۲ (فروردین ۱۳۱۷)، ص ۲.

۲. کوشش (۲۴ تیر ۱۳۲۰)، ص ۲.

بود. در این میان علاقه محمدرضای ولیعهد به ورزش نقش مهمی در تشویق جوانان به ورزش داشت و در نتیجه نهضتی ورزشی در کشور آغاز گردید و جوانان اعم از پسر و دختر کم کم در رشته‌های ورزشی ثبت‌نام کردند و در سلک ورزشکاران و انجمن‌های ورزشی گرد آمدند، به طوری که از سال‌های ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ بدین سو ورزش و تربیت بدنی ترقی یافت و در بیشتر شهرها انجمن‌های تربیت بدنی تشکیل گردید.^۱ بنابراین، ورزش زنان در سال‌های نخست نیمه دوم حکومت رضاشاه شکل جدی به خود گرفت. یکی از سازمان‌هایی که در این زمان شکل گرفت و کمابیش در تحول ورزش زنان تأثیرگذار بود، کانون بانوان بود. این کانون در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۱۴ از طرف وزارت معارف و به ریاست افتخاری شمس پهلوی تأسیس شد و هیئت‌مدیره آن شامل خانم‌های اعضای وزارت معارف و مدیران مدارس دختران بود.^۲ چنانکه خانم تربیت، رئیس کانون بانوان ایران، در خصوص مقاصد این کانون گفته است، تنها قصد و منظور کانون بانوان این بود که با استفاده از تعلیمات اخلاقی و بدنی، زنان را برای اجرای رسالتی که بر دوش دارند آماده سازد.^۳ شعبه ورزش این کانون نقش مطلوبی در توسعه ورزش زنان داشت و ادعا می‌شد همه گونه وسایل را برای تشویق زنان پایتخت به ورزش فراهم آورده است، آنچنانکه ابراز امیدواری می‌شد به‌زودی ورزش بین عموم بانوان تعمیم پیدا کند. کانون بانوان به تأسیس و دایر شدن رصدهای پیش‌آهنگی دختران جوان کمک‌های شایانی کرد و به‌ویژه اعضای هیئت‌مدیره کانون که اغلب از مدیران مدارس بودند، برای تعلیم و تربیت پیش‌آهنگان کوشش بسیاری کردند و برای تقویت جسمانی و سرگرمی بانوان بازی تنیس را دایر نمودند که در سال ۱۳۱۵ ده‌ها نفر از بانوان مرتباً برای فراگیری آن در زمین تنیس کانون حضور پیدا می‌کردند.^۴

این کانون در گزارشی درباره عملکرد خود در سال ۱۳۱۶، از جمله اظهار کرد که چون اداره تربیت بدنی نیازمند بانوان مربی ورزش است، کلاس‌های ورزشی زیر نظر مستر کیسین تشکیل گردیده و خانم‌های داوطلب که تعداد آنها ۸۵ نفر است، در روزهای شنبه و چهارشنبه مواد برنامه ورزشی دبستان‌ها و دبیرستان‌های دختران را در این کلاس‌ها می‌آموزند و تا حال عده‌ای برای تعلیم تربیت بدنی استخدام شده‌اند.^۵ علاوه بر کانون بانوان، سازمان شیر و خورشید نیز اقدام به تأسیس کلاس‌های ورزشی برای آموزش انواع رشته‌های ورزشی به دختران خردسال کرد که از جزئیات این آموزش‌ها اطلاعاتی در دست

۱. اطلاعات، س ۱۲، ش ۳۳۴۹ (۱۳۱۶)، ص ۱؛ همان، ش ۳۲۹۴، ص ۱.

۲. اطلاعات، س ۱۲، ش ۳۳۶۲ (دی ۱۷) ۱۳۱۶، ص ۲.

۳. اطلاعات، س ۱۰، ش ۳۷۱۷ (۲۹ بهمن ۱۳۱۴)، ص ۲.

۴. اطلاعات، س ۱۰، ش ۲۸۰۵ (۱۰ خرداد ۱۳۱۵)، ص ۱.

۵. اطلاعات، س ۱، ش ۷۵ (۱۷ تیر ۱۳۱۶)، ص ۱.

نیست.^۱ بنابراین، کانون بانوان را به‌عنوان یک تشکل دولتی باید پرچمدار اجتماعی شدن ورزش زنان در ایران عصر رضاشاه دانست.

ب) پیش‌آهنگی دختران

یکی از دیگر نقاط عطف ورزش زنان تشکیل پیش‌آهنگی دختران بود که چند ماه بعد از تأسیس کانون بانوان، در ۱۵ مرداد ۱۳۱۴ تأسیس شد.^۲ برنامه‌های پیش‌آهنگی در دو بخش نظری و عملی در مقاطع مختلف تحصیلی در مدارس دخترانه اجرا می‌شد. در بخش عملی دختران پیشاهنگ با انواع فنون ورزشی آشنا می‌شدند و ورزش‌های مختلف را به صورت روزانه انجام می‌دادند. تشکیلات پیش‌آهنگی تحت نظارت اداره تربیت بدنی و از زیرشاخه‌های وزارت معارف بود.^۳ ریاست این تشکیلات باز هم بر عهده شمس پهلوی بود. معلمان زن زیر نظر مستر کیسین و مسیو بازارگاد سه روز در هفته آموزش‌های نظری و عملی می‌دیدند. در نتیجه این آموزش‌ها، در همان سال ۱۳۱۴ حدود شصت معلم زن از مقاطع دبستان و دبیرستان آموزش دیدند. هر یک از این معلمان با تشکیل گروهی ۳۲ نفره از دختران در همان مدرسه محل کار خود شروع به کار کرد. تا پایان سال ۱۳۱۵ شمار دختران پیشاهنگ به ۱۵۴۴ نفر رسید که البته در مقایسه با شمار پسران (۱۰۵۴۵) هنوز ناچیز بود.^۴ در تهران همه‌ساله کلاس‌های ورزشی در منظر به دایر می‌شد و اردوهای پیش‌آهنگی در فصل تابستان فعالیت‌های ورزشی و شنا و انواع مسابقه‌ها را فرا می‌گرفتند. اما در سال ۱۳۱۸ بود که بالاخره اردوی پیش‌آهنگی دختران توانست اردوی ویژه‌ای تشکیل دهد و به فراگرفتن عملیات پیش‌آهنگی و فعالیت‌های ورزشی مخصوص به خود اقدام نماید.^۵ اردوهای پیش‌آهنگی برای دختران خیلی مفید بود و از نظر اخلاقی و اجتماعی کمک‌های زیادی به آنها می‌کرد. آنها از این طریق می‌توانستند غالباً از هوای آزاد خارج شهر استفاده و به صورت دسته‌جمعی گردش کنند.^۶

ج) رخداد ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴

روز ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴ به لحاظ تبعات و نتایجی که به دنبال داشت، به رشد و پیشرفت ورزش زنان بسیار یاری رساند. به دستور رضاشاه در این روز، مقرراتی درخصوص ورود دوشیزگان به دانشگاه‌ها و

۱. اطلاعات (۲ خرداد ۱۳۱۴)، ص ۴؛ (۳ خرداد ۱۳۱۴ ش)، ص ۱.

۲. اطلاعات، س ۱۳، ش ۳۶۳۴ (۲۶ مهر ۱۳۱۷)، ص ۱.

۳. همان.

۴. اطلاعات، س ۱۲، ش ۳۳۴۹ (۴ دی ۱۳۱۶)، ص ۱.

۵. کوشش، ش مسلسل ۴۳۳۱ (۵ اسفند ۱۳۱۸)، ص ۲.

۶. دختران ایران، س ۱، ش ۲ (شهریور ۱۳۱۰)، ص ۱۳-۲۱.

بهره‌مندی از تحصیلات عالی به تصویب شورای عالی فرهنگ رسید و از یازدهم بهمن همین سال پنجاه تن از دانشجویان که داوطلب تحصیلات عالی شده بودند، در دانشسرای عالی مشغول تحصیل شدند. اما یکی از نتایج مهم و برجسته رویداد ۱۷ دی در زمینه پرورش دانشجویان، توجه بیشتر به مسئله تربیت پیش‌آهنگی دختران بود که در همان سال تأسیس (مرداد ۱۳۱۴) هشتصد تن از دختران به عضویت آن درآمده بودند.^۱ از روز ۱۷ دی‌ماه ۱۳۱۴ به بعد روزنامه اطلاعات همواره در صفحه نخست خود تصاویر و مطالبی درباره پیشرفت ورزش دختران به چاپ می‌رساند و از عمومیت یافتن بیش از پیش ورزش‌های بدنی در همه دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و دانشسراهای دختران خبر می‌داد.^۲ در هر حال، سال ۱۳۱۴ سال تحول ورزش دختران بود. چنانکه در بسیاری از ایالات و ولایات ایران دختران به استقبال فعالیت‌های ورزشی رفتند و مهم‌تر از همه اینکه شمار قابل توجهی از دختران وارد تشکیلات پیش‌آهنگی شدند.^۳ با توجه به آنچه آمد، باید دید سیر رشد ورزش زنان چگونه بود و چه تحولاتی را از سر گذراند.

ترویج ورزش و مسابقات ورزشی زنان (۱۳۱۴-۱۳۲۰)

به دنبال زمینه‌سازی‌ها، ورزش زنان بالاخره به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی راه خود را باز کرد و عمومیت یافت. البته این تغییر محدود به شهرها بود. در دوره پهلوی اول بیشتر جمعیت زنان ایران ساکن روستاها بودند و یا حیات عشایری داشتند. پس طبیعتاً سیاست ترویج ورزش شامل حال آنان نمی‌شد، زیرا تمرکز اصلی بر شهرهای بزرگ بود. البته ورزش زنان از طریق مدارس دخترانه به برخی از شهرهای بسیار کوچک هم راه پیدا کرده بود.

روز سوم خرداد سال ۱۳۱۴ را بایستی نقطه عطفی در ورزش دختران ایران دانست. در این روز در میدان جلالیه به مناسبت جشنی که برای توزیع جوایز ورزشی به ورزشکاران تدارک دیده شده بود و هزاران نفر به تماشای آن آمده بودند، دختران کلاس پنجم و ششم دبستان‌ها که مقرر بود بخش پایانی برنامه مراسم را اجرا کنند وارد میدان شدند و شروع به طناب‌بازی کردند و بدین ترتیب نخستین نمایش ورزشی زنان در دوره رضاشاه برگزار شد. نمایش آنان ساده اما بسیار قابل توجه بود و نظر به تازگی داشتن آن مایه تحسین حاضرین شد. وزیر معارف که در این مراسم حضور داشت، در سخنانی اعلام کرد که اقداماتی برای توسعه ورزش خانم‌ها صورت گرفته است و ابراز امیدواری کرد که این اقدامات در سال‌های آتی در تهران و دیگر نقاط کشور گسترش یابد.^۴ خرداد سوم خرداد گویای این حقیقت است که

۱. اطلاعات، س ۱۳، ش ۲۶۴۴ (۲۶ مهر ۱۳۱۷)، ص ۱.

۲. اطلاعات، س ۱۰، ش ۲۷۱۷ (۲۹ بهمن ۱۳۱۴)، ص ۱.

۳. اطلاعات، س ۱۰، ش ۲۷۲۸ (۲۸ اسفند ۱۳۱۴)، ص ۱۴.

۴. اطلاعات، س ۹، ش ۲۴۹۱ (۱۳۱۴)، ص ۱.

در مدارس دخترانه ورزش آموزش داده می‌شد و دختران ورزشکار به درجه‌ای از آمادگی رسیده بودند که در آن روز به هنرنمایی پرداختند. از آن پس میدان جلالیه شاهد مسابقات ورزشی دختران بود. اجرای جشن‌ها و مسابقات ورزشی بین دختران مدارس و آموزشگاه‌های مختلف که گاه با حضور عموم مردم در میدان جلالیه و یا در ورزشگاه امجدیه برگزار می‌شد، از اقدامات دولت در جهت تشویق دختران و معلمان آنها به ورزش و همچنین اختلاط زنان و مردان به قصد تفریح بود.^۱ روزنامه‌اطلاعات که برگزاری این مسابقات را به‌خوبی گزارش می‌داد، معتقد بود ورزش زنان و حضور عموم مردم در ورزشگاه‌ها سبب می‌شود همه به قدرت و توانایی زنان و دختران پی ببرند و نظرشان درخصوص زن به‌عنوان جنس ضعیف تغییر کند.^۲

طولی نکشید که برگزاری مسابقه‌های ورزشی در میان تیم‌های بانوان مرسوم شد. البته به نظر می‌رسد پیشرفت مزبور در ابتدا بیشتر خاص دختران مدارس بود و هنوز میان عموم زنان شایع نشده بود. در همین خصوص روزنامه‌اطلاعات شکوه داشت که بانوان ایرانی با آنکه می‌دانند ورزش بهترین راه برای تندرستی و تناسب اندام است، به علت تنبلی آن‌گونه که باید به ورزش توجه نمی‌کنند. این روزنامه یکی از علل مهم این بی‌علاقگی را یکنواخت بودن حرکات ورزشی رایج در آن ایام می‌داند و برای حل این مشکل برخی از حرکات ورزشی را به خانم‌ها معرفی می‌کند.^۳ در حقیقت برنامه آموزش حرکات ورزشی به زنان در بسیاری از نشریات این دوره مشاهده می‌شود. برای نمونه روزنامه کوشش مقالاتی از دکتر کارمان، متخصص ورزش بانوان، منتشر می‌کرد و در آن برخی از حرکات ورزشی مشخص را به زنان آموزش می‌داد.^۴ به نظر می‌رسد این شیوه آموزش اولاً برای زنانی بود که به ورزش علاقه‌مند بودند، ولی بنا به محدودیت‌های خانوادگی و اجتماعی امکان حضور در باشگاه‌ها و مراکز ورزشی را نداشتند و در ثانی تلاشی بود برای ترغیب زنانی که انگیزه کافی برای ورزش کردن نداشتند. در هر حال، می‌توان نتیجه گرفت که همزمان با آغاز تلاش حکومت برای پیشرفت ورزش دختران مدارس، نشریات هم در جهت ترغیب زنان به ورزش کوشش‌هایی می‌کردند.

اولین اشارات پراکنده به مسابقات ورزشی دختران، اشاره‌ای است در ۳۱ خرداد ۱۳۱۵ به برگزاری مسابقه والیبال میان دختران دانش‌آموز قزوین در عمارت نادری این شهر^۵ و نیز یک مسابقه دوچرخه‌سواری

۱. اطلاعات (۲ خرداد ۱۴۱۳)، ص ۲؛ (۳ خرداد ۱۳۱۴)، ص ۱.

۲. اطلاعات (۴ خرداد ۱۳۱۴)، ص ۱.

۳. اطلاعات، س ۱۳، ش ۳۷۰۵ (۸ دی ۱۳۱۷)، ص ۱۰.

۴. کوشش، ش ۱۵۴ و ش ۱۵۵ (۲۲ تیر ۱۳۱۶)، ص ۲.

۵. اطلاعات، س ۱۰، ش ۲۸۳۲ (۱۲ تیر ۱۳۱۵)، ص ۱.

میان دختران ارومیه که در همان سال برگزار شد.^۱ برگزاری این مسابقات در شهرستان‌ها نشان‌دهنده این واقعیت است که ورزش زنان محدود به پایتخت نبود و در سطحی هرچند نازل‌تر در شهرستان‌های مختلف نیز در جریان بود.

خالی از مناسبت نیست به مسابقات تماماً مردانه اسب‌دوانی که در اردیبهشت ۱۳۱۵ در تهران با حضور نظامیان و سواران چابک برگزار شد، اشاره‌ای شود. خانم ساکسیل، دختر آقای ساکسیل، رئیس کل اداره کامپاکس که مقیم ایران بود، به طور نمادین در این مسابقه شرکت کرد. اسب‌دوانی این خانم خارجی که با تحسین تماشاچیان مواجه شد،^۲ اگرچه به نتیجه‌ای منجر نگشت، اما حضور او به‌عنوان یک خانم در مسابقه‌ای کاملاً مردانه، نقطه عطفی در این رشته ورزشی بود و ذهنیت جامعه را برای پذیرش اسب‌دوانی دختران در سال‌های بعد آماده ساخت.

بازتاب ورزش دختران مدارس شهرستان‌های مختلف در مطبوعات این دوره نشان از سراسری شدن آن دارد. چنانکه جزئی‌ترین وقایع ورزشی گزارش می‌شد. برای نمونه روزنامه/اطلاعات در فروردین ۱۳۱۵ از اجرای ورزش خاصی به نام «می‌پل» در دبیرستان دخترانه مهستی رشت خبر می‌دهد.^۳ به علاوه، اشاره می‌کند که در این دبیرستان ورزش‌های موسوم به اسکاتلندی نیز آموزش داده می‌شود.^۴

دوشیزگان ورزشکار در جشن روز چهارم آبان ۱۳۱۷ در ورزشگاه جلالیه نمایش‌های ورزشی قابل توجهی اجرا کردند. یکی از بخش‌های این برنامه مسابقه دو امدادی میان چند تن از دختران ورزشکار دبیرستانی بود.^۵ این نخستین اشاره به مسابقه دو دختران است. از دیگر تحولات ورزش بانوان در این ایام برگزاری نخستین مسابقه اسکی بود که در ۵ اسفند ۱۳۱۷ در لشکرک برگزار شد. برگزاری این مسابقه در پاسخ به استقبال روزافزون بانوان از ورزش اسکی بود. مسابقه فوق در مسافت‌های ۵۰۰ متر برای آقایان، و ۳۰۰ متر برای خانم‌ها تدارک دیده شده بود.^۶ از همین سال موضوع ورزش دختران و برگزاری مسابقه‌های رسمی بین تیم‌های دبیرستان‌های دخترانه مورد توجه ولیعهد قرار گرفت.^۷ بنا به سفارشات وی اداره تربیت بدنی در اواخر همین سال درصدد برآمد یک سلسله مسابقه‌های ورزشی میان دختران دانش‌آموز برگزار کند. برای این کار ابتدا رشته‌های والیبال و بستکبال در نظر گرفته شدند.^۸

۱. اطلاعات، س ۱۰، ش ۲۸۳۱ (۱۱ تیر ۱۳۱۵)، ص ۱.

۲. اطلاعات، س ۱۰، ش ۲۷۷۳ (۱۲ اردیبهشت ۱۳۱۵)، ص ۱.

۳. اطلاعات، س ۱۰، ش ۲۷۶۰ (۳۰ فروردین ۱۳۱۵)، ص ۱.

۴. اطلاعات، س ۱۰، ش ۲۷۶۱ (۳۱ فروردین ۱۳۱۵)، ص ۱.

۵. اطلاعات، س ۱۳، ش ۳۶۴۵ (۷ آبان ۱۳۱۷)، ص ۱.

۶. اطلاعات، س ۱۳، ش ۳۷۵۵ (۳۰ بهمن ۱۳۱۷)، ص ۲.

۷. اطلاعات، س ۱۴، ش ۴۱۲۳ (۱۶ اسفند ۱۳۱۸)، ص ۱.

۸. اطلاعات، س ۱۳، ش ۳۷۶۴ (۱۰ اسفند ۱۳۱۷)، ص ۲.

در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۱۸ مسابقات والیبال بین دختران دبیرستان‌ها در زمین والیبال کانون بانوان با شرکت تیم‌هایی از دانشسرای دختران، دبیرستان میهن، انوشیروان دادگر، ژاله، سعدیه، کوكیبه سعادت برگزار شد.^۱ اداره تربیت بدنی برای ترویج رشته تابتسانی تنیس و تشویق ورزشکاران تصمیم گرفت یک سلسله مسابقات قهرمانی در اواخر تیرماه ۱۳۱۸ برگزار نماید. این مسابقات در شکل یک نفری بین مردها، یک نفری بین بانوان، دو نفری بین مردها، دو نفری بین بانوان، و بالاخره دو نفری مختلط برگزار شد.^۲ به نظر می‌رسد این نخستین مسابقه تنیس بود که به صورت مختلط برگزار می‌شد.

همزمان با برگزاری مسابقات ورزشی، توسعه رشته‌های ورزشی و بهبود کیفی آموزش تربیت بدنی نیز مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۳۱۸ اداره تربیت بدنی، با هدف توسعه و ترویج ورزش دختران، بازی هندبال را که رشته‌ای متناسب آنان پنداشته می‌شد معمول داشت و در بخش‌نامه‌ای به آموزشگاه‌ها از آنان درخواست کرد دانش‌آموزانی را که برای شرکت در مسابقات بستکبال و والیبال انتخاب شده‌اند، معرفی نمایند تا از میان آنها افراد با استعداد برای آموزش و تمرین هندبال گزینش شوند.^۳

در اواخر سال ۱۳۱۸ اداره تربیت بدنی برای آشنایی بانوان و دبیران ورزش با قواعد و مقررات ورزش‌ها و بازی‌های جدید و تکمیل اطلاعات فنی آنان تصمیم به برگزاری کلاس‌هایی در این زمینه گرفت. بدین منظور از همه دبیران ورزش و آموزگاران آموزشگاه‌های دخترانه پایتخت دعوت کرد در این کلاس‌ها که مربیان آن در آموزشگاه‌های ورزشی خارج از کشور دوره دیده بودند، ثبت‌نام کنند تا تمامی قواعد و مقررات ورزش‌های جدید را فرا گیرند. مقرر بود این کلاس‌ها از اول فروردین سال ۱۳۱۹ تشکیل شوند.^۴ علاوه بر این، به دستور ولیعهد مقرر شد از سال ۱۳۱۹ مسابقه دو و میدانی (دو و پرش) به مسابقه‌های رسمی ورزشی دختران دانش‌آموز اضافه و هر ساله در اردیبهشت‌ماه برگزار شود. مواد مسابقه‌های دو و میدانی که از تصویب ولیعهد گذشت، عبارت بودند از دو ۱۰۰ متر، دو مانع به مسافت ۸۰ متر، دو امدادی ۴×۱۰۰، پرش ارتفاع، پرش طول و پرش سه گام. پس از ابلاغ این فرمان اداره تربیت بدنی مقدمات امر را فراهم کرد و از ده دبیرستان دخترانه، تیم‌هایی برای شرکت در این مسابقات معرفی نمود.^۵ به فرمان ولیعهد همچنین رشته پرتاب دیسک و پرتاب نیزه و پرش نیزه و دو ۱۱۰ متر با مانع به مواد مسابقه‌های قهرمانی کشور و دبیرستان‌ها و دانشکده‌ها افزوده گشت.^۶ در همین سال فدراسیون‌های ورزشی نیز

۱. اطلاعات، س ۱۳، ش ۳۸۳۵ (۲۶ اردیبهشت ۱۳۱۸)، ص ۲.

۲. اطلاعات، س ۱۳، ش ۳۸۶۸ (۲۷ خرداد ۱۳۱۸)، ص ۲.

۳. اطلاعات، س ۱۴، ش ۳۸۹۹ (۲۸ خرداد ۱۳۱۸)، ص ۲.

۴. اطلاعات، س ۱۴، ش ۴۱۲۳ (۱۶ اسفند ۱۳۱۸)، ص ۱.

۵. اطلاعات، س ۱۴، ش ۴۱۸۴ (۲۴ اردیبهشت ۱۳۱۹)، ص ۱.

۶. اطلاعات، س ۱۵، ش ۴۴۱۷ (۱۸ دی ۱۳۱۹)، ص ۱.

تأسیس شدند.^۱ گسترش ورزش در سال ۱۳۱۹ چشمگیر بود. به فرمان ولیعهد در تیر ۱۳۱۹ مسابقات دوچرخه‌سواری نیز به مسابقات قهرمانی کشور اضافه شد.^۲

در بهار ۱۳۲۰ سازمان تربیت بدنی سرگرم تنظیم برنامه‌ای برای برگزاری مسابقه‌های بهاره والیبال، دوچرخه‌سواری و دو و میدانی (انواع دو و پرش‌ها) بود. مقرر شد دختران دبیرستان‌های پایتخت نیز، به استثنای دوچرخه‌سواری، در بقیه رشته‌ها به رقابت پردازند.^۳ مستثنا کردن رشته دوچرخه‌سواری در مسابقات دختران در حالی بود که این رشته میان زنان تهران بسیار سریع پیشرفت کرده و مایه شگفتی شده بود.^۴ علاوه بر تهران، در شهرستان‌ها نیز این رشته طرفداران بسیاری داشت. برای نمونه، در خرداد سال ۱۳۱۵، در قزوین عده‌ای از دختران دانش‌آموز و زنان آموزگار پس از دو ماه تمرین، امتحان دوچرخه‌سواری داده و موفق به دریافت گواهینامه شده بودند و بدین ترتیب می‌توانستند آزادانه در خیابان‌ها تردد کنند.^۵ به غیر از قزوین، این رشته ورزشی در ارومیه نیز رشد سریعی کرده و چنانکه اشاره شد، حتی در سال ۱۳۱۵ یک مسابقه دوچرخه‌سواری میان دختران این شهر برگزار شده بود. به هر روی، رشته دوچرخه‌سواری بانوان در دوره محمد رضاشاه پهلوی نیز در رکود قرار داشت و پیشرفتی نکرد.

در همین ایام تحول مهم دیگری در ورزش زنان روی داد و آن اینکه وزارت فرهنگ در ورزشگاه امجدیه استخرهای شنای قانونی منطبق بر اصول فنی ایجاد کرد و مقرر شد اداره تربیت بدنی از ۲۰ خرداد آن سال (۱۳۲۰) کلاس‌هایی آموزشی زیر نظر مربیان کارآموزده برگزار نماید. یکی از این استخرها ویژه کودکان ۵ تا ۹ سال اعم از پسر و دختر بود.^۶ این نخستین اشاره‌ی تشریفات به شنای دختران ایران است. کمی بعد مقرر شد کلاس آموزش شنای بانوان در بوستان ورزش و دبیرستان نوربخش برگزار شود و از اول تیرماه آغاز به کار کند. در همین زمان مسابقه‌های شیرجه نیز به ورزش شنا افزوده شد.^۷

پیشرفت ورزش بانوان کشور را می‌توان از سخنان خانم فرمانفرمایان در جریان برگزاری مسابقات نهایی دو و میدانی دختران در روز پنجشنبه بیست و پنجم اردیبهشت ۱۳۲۰ در جلالیه دریافت. ایشان در سخنانی پیش از آغاز این مسابقه گفتند:

... تا پیش از دوره کنونی، ما و مادران ما گرفتار تمرین‌های تیره‌بختی و شرکت در مسابقه‌های سیه‌روزی بودیم. آمدن به آموزشگاه برای ما ننگ بود چه رسد که به ورزشگاه قدم بگذاریم... اما تحت توجهات و

۱. اطلاعات، س ۱۵، ش ۴۳۱۹ (۷ مهر ۱۳۱۹)، ص ۱.

۲. اطلاعات، س ۱۵، ش ۴۲۴۲ (۲۰ تیر ۱۳۱۹)، ص ۲.

۳. اطلاعات، س ۱۵، ش ۴۴۹۳ (۱۴ فروردین ۱۳۲۰)، ص ۱.

۴. اطلاعات، س ۱۰، ش ۲۷۵۲ (۲۰ فروردین)، ص ۱.

۵. اطلاعات، ش ۲۸۱۵ (۲۶ خرداد ۱۳۱۵)، ص ۱.

۶. اطلاعات، س ۱۵، ش ۴۵۳۱ (۲۲ اردیبهشت ۱۳۲۰)، ص ۱.

۷. اطلاعات، س ۱۵، ش ۴۵۳۵ (۲۶ اردیبهشت ۱۳۲۰)، ص ۱.

دستورات ولیعهد وارد میدان مسابقات شدیم... و اکنون سال سوم است که به فرمان مبارکشان دسته‌های ورزشکاران دختران مانند پسران در مسابقه‌های ورزشی شرکت می‌کنند... امسال با آنکه دومین بار است که... دختران دبیرستان‌ها در مسابقه‌های دو و میدانی شرکت می‌نمایند، تعداد نفرات و دسته‌های شرکت‌کننده به هیچ وجه با سال گذشته قابل مقایسه نیست که نشان از رشد علاقه دختران به ورزش دارد.^۱ با فرارسیدن شهریور ۱۳۲۰ و اشغال کشور توسط متفقین، و پیامدهای اجتماعی حاصل از آن که کشور را برای سال‌ها درگیر بحران کرد، گسستی در فعالیت‌های ورزشی و به‌ویژه ورزش زنان ایجاد شد، به طوری که برگزاری مسابقات ورزشی در مدارس و دبیرستان‌های دخترانه به کلی تعطیل شد و آن‌گونه که نشریه نیرو و راستی ادعا کرده است، تا سال ۱۳۲۶ از سر گرفته نشد.^۲ با این اوصاف، چرخ ورزش زنان که به تازگی به حرکت درآمده بود و می‌رفت که خیز بردارد، از حرکت باز ماند و متوقف گردید.

نتیجه‌گیری

همزمان با روی کار آمدن رضاشاه، اگرچه ورزش به مفهوم مدرن مورد توجه نبود، اما نشانه‌هایی از فعالیت‌های ورزشی و حتی ورزش زنان وجود داشت. در این زمان تلاش‌های بی‌وقفه زیادی برای ترغیب و متقاعد ساختن جامعه به ورزش زنان در جریان بود. نگاه‌های مختلفی به ورزش زنان وجود داشت و مدت‌ها طول کشید تا حتی خود زنان هم متوجه ضرورت و اهمیت ورزش شوند. فعالیت‌های ورزشی در باشگاه‌های خصوصی، از جمله باشگاه میر مهدی‌خان ورزنده، در جریان بود، اما ظهور ورزش زنان به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی، در نیمه دوم حکومت رضاشاه و بالاخص از سال ۱۳۱۴ مطرح شد. کانون بانوان و پیش‌آهنگی دختران از جمله نهادهایی بودند که سازماندهی ورزش دختران را در دستور کار قرار دادند. طولی نکشید که رشته‌های ورزشی مختلف تأسیس گردیدند و مسابقات دختران مدارس و دبیرستان‌های مختلف آغاز شدند. در این میان نباید از نقش محمدرضای ولیعهد در پیشرفت ورزش زنان غافل ماند. او که خود ورزشکار بود، با دستوراتی که شخصاً صادر می‌کرد به تأسیس رشته‌های مختلف ورزش زنان همت گماشت. با فرارسیدن شهریور ۱۳۲۰ گسستی در حرکت نوآغاز ورزش زنان پیش آمد و آن را تا سال‌ها بعد از فعالیت واداشت. روی هم رفته باید گفت ورزش زنان، به‌رغم تمام کم و کاستی‌هایش، در حد فاصل سال‌های ۱۳۱۴-۱۳۲۰ خوش درخشید و نکته مهم اینکه، اگرچه تمرکز اصلی ورزش زنان در پایتخت بود، در شهرستان‌ها نیز به‌رغم تفاوت جدی در سطوح کمی و کیفی نسبت به پایتخت، این پدیده در آستانه گذر به مراحل بهتر بود.

۱. همان.

۲. نیرو و راستی، ش ۱۴۳ (۶ خرداد ۱۳۲۶)، ص ۱۱.

کتابنامه

- انجل دریک، امااف، دانستنی‌های زنان جوان، ترجمه ذبیح الله قربان، برلن، چاپخانه ایرانشهر ۱۳۰۶.
- آیین ورزش. س ۴ ش ۲، فروردین ۱۳۱۷.
- اطلاعات. ۱۳۱۴، ۲-۴ خرداد؛ س ۹، ش ۲۴۹۱؛ س ۱۰، ش ۲۵۲۱، ۸ تیر. اطلاعات، س ۱۰، ش ۲۷۵۲، ۲۰ فروردین، س ۱۰، ش ۲۷۱۷، ۲۷ بهمن؛ س ۱۰، ش ۲۷۳۸، ۲۸ اسفند. اطلاعات ۱۳۱۵، س ۱۰، ش ۲۷۶۰، ۳۰ فروردین؛ اطلاعات، س ۱۰، ش ۲۷۶۱، ۳۱ فروردین؛ س ۱۰، ش ۲۷۷۳، ۱۲ اردیبهشت؛ س ۱۰، ش ۲۸۰۵، ۱۰ خرداد؛ س ۱۰، ش ۲۸۱۵، ۲۶ خرداد؛ س ۱۰، ش ۲۸۳۱، ۱۱ تیر؛ س ۱۰، ش ۲۸۳۲، ۱۲ تیر. ۱۳۱۶، س ۱۲، ش ۲۳۱۶، ۲۷ آبان؛ س ۱۲، ش ۳۲۹۴، ۵ آبان. اطلاعات ۱۳۱۶، س ۱۲، ش ۳۳۴۹، ۴ دی‌ماه؛ س ۱۲، ش ۳۳۶۲، ۱۷ دی‌ماه؛ س ۱، ش ۷۵، ۱۷ تیر. اطلاعات ۱۳۱۷، س ۱۳، ش ۳۶۳۴، ۲۶ مهر؛ س ۱۳، ش ۳۶۴۵، ۷ آبان؛ س ۱۳، ش ۳۷۰۵، ۸ دی‌ماه؛ س ۱۳، ش ۳۷۵۵، ۳۰ بهمن؛ س ۱۳، ش ۳۷۶۴، ۱۰ اسفند. اطلاعات ۱۳۱۸، س ۱۳، ش ۳۸۳۵، ۲۶ اردیبهشت؛ س ۱۴، ش ۴۱۲۳، ۱۶ اسفند. س ۱۳، ش ۳۸۶۸، ۲۷ خرداد؛ س ۱۴، ش ۳۸۹۹، ۲۸ خرداد؛ س ۱۴، ش ۴۱۲۳، ۱۶ اسفند. اطلاعات ۱۳۱۹، س ۱۴، ش ۴۱۸۴، ۲۴ اردیبهشت؛ س ۱۵، ش ۴۴۱۷، ۱۸ دی‌ماه؛ س ۱۵، ش ۴۳۱۹، ۷ مهر؛ س ۱۵، ش ۴۲۴۲، ۲۰ تیر. اطلاعات ۱۳۲۰، س ۱۵، ش ۴۴۹۳، ۱۴ فروردین؛ س ۱۵، ش ۴۵۱۰، ۱ اردیبهشت؛ س ۱۵، ش ۴۵۳۱، ۲۲ اردیبهشت؛ س ۱۵، ش ۴۵۳۵، ۲۶ اردیبهشت.
- دختران ایران. ۱۳۱۰، س ۱، ش ۲، شهریورماه.
- راهنمای زندگی. ۱۳۱۹، ش ۲، ۹ آذر؛ ش ۵.
- سالنامه تاج ورزشی. ۱۳۵۱، ش ۲.
- کوشش. ۱۳۱۴، ش ۲۴۸، ۱۲ آبان؛ ۱۳۱۶، ش ۱۵۳ و ۱۵۴، ۲۲ تیر؛ ۱۳۱۸، ش ۴۲۳۱، ۵ اسفند؛ ۱۳۱۹، ۲۰ فروردین؛ ۱۳۲۰، ۲۴ تیرماه.
- عالم نساوان. دی‌ماه ۱۳۰۵، س ۷، ش ۱؛ ش ۷ و ۸؛ اردیبهشت ۱۳۰۶، س ۷، ش ۵؛ شهریور ۱۳۱۰، س ۱۱، ش ۶.
- نساوان وطن‌خواه. ۱۳۰۳، س ۷، ش ۷؛
- نیرو و راستی. ۱۳۲۲، ش ۱، ۱۵ تیر؛ ش ۳، ۱۲ مرداد؛ ش ۴، ۲۶ مرداد؛ ش ۵، ۹ شهریور؛ ش ۱۱، ۹ آذر. ۱۳۲۶، ش ۱۴۳، ۶ خرداد؛ ۱۳۲۷، ش ۲۰۳، ۶ مرداد.